

میدون و سوفیا

تفاهم فلاکتی!



پوریای عالمی

● سوفیا اشک شوق‌ریزان و خوشحال و خندان و دوان‌دوان آمد و گفت: میدون دوم! میدون دوم! باورت نمیشه... حق به حق دار رسید... دل همه ما جوون‌ها خنک شد... دیدی... دیدی می‌گفتی آب از آب تکان نمی‌خوره؟ دیدی تکان خورد؟! گفتم: چی شده سوفیا؟ چه اتفاقی افتاده؟ بین این‌همه خبر بد چی این‌قدر تو را خوشحال کرده؟

سوفیا گفت: باورت نمی‌شود... دیدی آفتاب زیر ابر نمی‌مونه... دیدی چی شد؟ «رئیس‌جمهور پیشین به جرم فساد اقتصادی و... به هفت سال زندان محکوم شد». هم‌چنین «فرزند این مقام سابق به جرم ارتباط با شرکت‌های خارجی و رانت اقتصادی مجرم شناخته شد».

تا این را گفت، اول کف بر دهان آورده و غش کردم. سپس لرزیده و تب کردم. بعد بغض کرده و آه از نهاد دفع کردم. بعد درحالی‌که آب‌قند را سوفیا گذاشته بود لب دهنام، گفتم: جدی؟ واقعا دکتر محمود احمدی‌نژاد دادگاهی و چیز شد؟

سوفیا گفت: نه!

گفتم: نه و نعلبکی. پس چی میگی؟ سوفیا گفت: اصل خبر اینه: «نخست‌وزیر پیشین پاکستان، نوازشریف، به اتهام فساد اقتصادی به هفت سال زندان محکوم شد». گفتم: خبر آقا‌زاده‌هه چی؟

گفت: اون هم اصل خبرش اینه: «دیوان‌عالی پاکستان نوازشریف و دخترش را به اتهام ارتباط با شرکت‌های خارجی مجرم شناخت». گفتم: دختر حسابی! توی پاکستان فلان شده، تو چرا خبر را طوری میگی انگار اینجا خبری شده؟ این رفتار تو ته فلاکت است!

سوفیا گفت: میدون دوم! من دارم افسرده میشم و دکترم گفته جهان‌بینی‌ام را عوض کنم و دنبال خبرهای شاد و امیدوارکننده بگردم؛ اما چون خبر خوبی پیدا نکردم، تصمیم گرفتم خبرها را طوری بخوانم که امیدوارکننده و خوشحال‌کننده شود! گناه کردم؟

گفتم: نه عشقم! من هم چون شغل ندارم، وقتی می‌خوانم پسر فلاّنی مدیرعامل فلان‌جا شده، اسم خودم را می‌گذارم جای او و خیال می‌کنم من شغل پیدا کرده‌ام! وقتی می‌خوانم داماد فلاّنی رانت‌خوار بزرگ است، اسم خودم را می‌گذارم جای اسم داماد فلاّنی و خیال می‌کنم داماد بابای سوفیا تخوریخور کرده و خلاصه با این خیالات شکم گرسنه را گول می‌زنم!

سوفیا گفت: اینکه ته فلاکت است!

گفتم: همین دیگه، برای همین من تو تفاهم داریم؛ تفاهم فلاکتی! و بعد زارزار گریستم و چه کیفی کردم که هنوز آن قدر بی‌پول نشده‌ایم که نتوانیم یک دل سیر گریه کنیم.

پیشهاد

نگاه نو



● شماره ۱۱۹

فصلنامه تحلیلی فرهنگی نگاه نو به چاپ رسید. همان‌طور که این نشریه در صفحات ابتدای خود نوشته است، آثار تحلیلی و مستدل درباره

افکار و اتفاقات معاصر در اولویت است. جنبش جلیقه‌زرها در فرانسه، دردمنون جامعه در حال گذار نوشته علیرضا منافزاده، افزایش شتابان نقدبینگی و تورم مهارکشیخته از طهماسب مظاهری، بارشاطر و ایران از فخرالدین عظیمی، جایزه صلح نوبل برای مقابله با استفاده از تجاوز به عنوان سلاح جنگی از مهشید جعفری، چرا جایزه صلح ادبیات اهدا نشد از طاهر برجام‌سنگ و چرا و چگونه چک و اسلواک ماندم از میکولا ریابچوک از مطالب این شماره است.

عکس روی جلد این فصلنامه به داریوش طلایی اختصاص دارد و همین‌طور بخش ویژه موسیقی کلاسیک ایرانی مطالبی از ساسان فاطمی، بابک خضرانی، بهروز غریب‌پور و گفت‌وگوی مفصل علی میرزایی سردبیر و مدیرمسئول نگاه نو با داریوش طلایی را دربر می‌گیرد.

گفت‌وگوی جان هورگان - مدیر مرکز نوشته‌های علمی در مؤسسه تکنولوژی استیونر - با نوام چامسکی درباره ترامپ و متحدانش - قطعه‌خالی از لطف نیست و می‌تواند ابعاد تازه‌ای از سیاست‌های عجیب‌ترین رئیس‌جمهور آمریکا را بیان کند. تازه‌های کتاب و رویدادها و گزارش‌های این چند ماه گذشته نظیر جایزه مهتاب میرزایی، همایش ترجمه ماندگار و... از دیگر مطالب این فصلنامه ۲۵۸صفحه‌ای است که با قیمت ۲۵ هزار تومان منتشر شده است.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۴ دی ۱۳۹۷ = ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۴۰ = ۲۵ دسامبر ۲۰۱۸ = سال شانزدهم = شماره ۳۳۲۵ = ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۴ = اذان مغرب ۱۷:۰۷ = اذان صبح فردا ۵:۴۲ = طلوع آفتاب ۱۲:۰۷

روزنفرها

کارتون خواب

آکیم سولاز



یادداشت

دختران زاهدان را فراموش نکنیم

مریم مطلبی

حوادث تلخی که این روزها در اخبار می‌شنویم نمونه روشنی از مشکلات عمومی جامعه ایرانی است و پاسخ به همین نیازها می‌تواند تعیین‌کننده جهت و مسیر امر خیر باشد که خوشبختانه مردم ایران همیشه به این بحران‌های اجتماعی حساسیت داشته‌اند. در سال‌های اخیر در مورد این حساسیت جمعی به نمونه‌های بسیار می‌توان اشاره کرد. زلزله کرمانشاه یکی از نمادهای همباری و کمک مردم بود؛ به‌طوری‌که حتی راه‌ها برای امدادرسانی مسدود شده بودند و گروه‌های اجتماعی برای کمک‌رسانی بسیج شدند. در آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو موج حضور مردم برای کمک و تصاویر فراوان از آمادگی آنان برای هر نوع خدمت به آسیب‌دیدگان و حمایت‌های سمبلیک از آتش‌نشانان در خاطرم‌ان هست. وقوع یک تصادف و مردمی که آمادگی کمک و همدردی خود را اعلام می‌کنند از صحنه‌های تکراری برای همه است. درعین‌حال باید از این ظرفیت مردمی به شکل درست و در جهت حل نیازهای واقعی جامعه استفاده کرد. آتش‌سوزی اخیر مدرسه‌ای در زاهدان که متأسفانه چندین خانواده و یک ملت را داغدار کرد، از عناوینی است که باید در رأس نیازها و اولویت‌های جامعه شمرده شود. کمبود اعتبارات مربوط به ایمن‌سازی، تجهیز و نوسازی مدارس یک واقعیت است. متأسفانه سوانح و آتش‌سوزی مدارس خبر تازه‌ای نیست، آن هم در کلاس‌های مدرسه‌ای که گاه از یک اتاق با حداقل امکانات تشکیل شده و بچه‌هایی که با کمترین امکانات؛ چه آموزشی و چه مادی، گاه باید برای رسیدن به همین کلاس‌ها راه‌هایی طولانی

اینکه فرد یا افرادی منتخب مردم باشند، به‌ویژه وقتی که این انتخاب مستقیم و بلاواسطه باشد، افتخار بسیار بزرگی است و کسی که در این موضع قرار می‌گیرد، می‌تواند بر خود بیالده که مورد اعتماد هم‌میهنان بوده و او را برای انجام امور خود و تمشیت مشکلات کلان برگزیده‌اند. بدیهی است که این گزینش و قرارگرفتن در این موضع اولویت و مزیت خاصی نسبت به سایر احاد ملت برای فرد گزینش‌شده ایجاد نمی‌کند؛ زیرا به موجب اصول قانون اساسی مردم ایران همگی برابرند و همگی به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند. قانون اساسی تا آنجا پیش رفته که در انتهای اصل یکصدوهفتم می‌فرماید «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است». گمان می‌رود با این عبارت در انتهای اصل یکصدوهفتم، تکلیف سایر مقامات و اشخاص در نظام سیاسی و قضائی جمهوری اسلامی ایران روشن است. بدیهی است ممکن است برای تعقیب کیفری یا انتظامی و اداری شاغلین برخی مشاغل روش و فرایند خاصی پیش‌بینی شده باشد که نه به شخصیت فردی آنها بلکه به کاری که انجام می‌دهند، مربوط است. مثلاً قضات را پیش از آنکه از سمت قضائی معلق شوند، نمی‌شود تحت تعقیب کیفری قرار داد؛ یا نمایندگان مجلس درصورتی‌که مرتکب جرمی بشوند، باید ابتدا به وسیله کمیسیون نظارت بر اعمال نمایندگان مورد بررسی قرار گیرند و درصورتی‌که وقوع جرم مسلم شد، پرونده به قوه قضائیه برود. در اینکه پیش از پایان دوران نمایندگی - با فرض وقوع جرم- تعقیب کیفری نماینده میسر است یا خیر، تردید وجود دارد؛ زیرا هرچند در نظام پارلمانی ما چیزی به اسم مصونیت پارلمانی به طور صریح پیش‌بینی

نشده؛ اما سیر وقایع و عقاید همواره چنان بوده که گویی افکار عمومی بر این اعتقاد است که نماینده مجلس تا زمانی که این سمت را دارد و این مسئولیت برعهده اوست، باید مصون از تعرضات مختلف باشد؛ اما مزیت یا روش خاص اخیر به‌هیچ‌وجه نباید باعث شود که نمایندگان خود را کاملاً مصون از تعرض پندارند و اقداماتی انجام دهند که با شأن نمایندگی سازگار نیست. به یاد دارم در دوره دوم مجلس شورای اسلامی متأسفانه به لحاظ وجود شور انقلابی و اینکه هنوز ضوابط و قواعد مربوط به مجلس و مجلسیان کاملاً به‌اصطلاح جا نیفتاده بود، بعضی از نمایندگان به خود اجازه می‌دادند که در صحن علنی به‌وضوح و بدون هیچ پرده‌پوشی به سایر نمایندگان توهین کنند و حتی نسبت‌هایی که در حکم افترا بود، به آنها بدهند.

پس از آنکه در دو مورد یکی از نمایندگان دراین‌باره شکایتی در دادسرای وقت مطرح کرد و کار به احضار نماینده و مآلا به پوزش خواهی او به صورت کتبی و تعهدش به عدم تکرار رسید، این حرکات در مجلس تمام شد؛ بنابراین به نظر می‌رسد نمایندگان محترم وقتی برای پیگیری امور موکلین خود و به طریق اولی برای امور شخصی خود یا مواردی که نه برای موکلین، بلکه برای دوستان قصد انجاش را دارند به محلی و ارگانی و وزارتخانه‌ای مراجعه می‌فرمایند، باید توجه داشته باشند که حضور در مجلس برای آنها هیچ اولویت و مزیتی بیشتر از سایر مردم ایجاد نمی‌کند و درعین‌حال باید به این مسئله عنایت داشته باشند که دیگر افراد وابسته به قوای ثلاثه مثل مأمورین دولت، مثل مأمورین نظامی و مانند کسانی که در مقام‌های قضائی قرار دارند، هریک به نوعی به انجام وظیفه قانونی خود مشغول‌اند؛ بنابراین از این باب محترم و از تعرض مصون هستند. آنچه در فیلمی ضبط و در فضای مجازی منتشر شد، با قواعد و قوانینی که ناظر به مجلسیان است، سازگاری نداشت. آری، ممکن است این فیلم ساختگی باشد که اگر چنین باشد، طبیعتاً آنکه ساخته است و آنکه پخش کرده است

سلام به فردا

اقداماتی که با شأن نمایندگی سازگار نیست

باید پاسخ باشند؛ ولی اگر چنین نباشد و فیلم اصیل و صحیح باشد، آن‌گاه این سؤال مطرح می‌شود که چرا نماینده محترمی به خود اجازه داده خطاب به فردی که در مقام انجام وظیفه است و فقط او را از ورود به محل خاصی منع می‌کند و مسیر دیگری را به او پیشنهاد می‌کند با چنان الفاظ رکیکی برخورد کند و وقتی مورد اعتراض سایرین قرار می‌گیرد، الفاظی را به کار برد که به نحو عام موهن است. گمان می‌رود آنچه انجام شده با فرض صحت ادله و مستندات، مطمئناً توهین به مأمور دولت حین انجام وظیفه است؛ اما بر مبنای آنچه بنده دیدم و شنیدم از آن مأمور گم‌رک صحبت یا حرکتی که موهن باشد، صادر نشده است. اینکه او اقدام به بیان سمت و شغل آن نماینده محترم می‌کند، طبیعتاً نوعی اقدام دفاعی است با این هدف که شاید از ادامه حرکات موهنه جلوگیری کند و مخاطبان متوجه شوند که فردی که لفظ رکیک را به کار برده احیاناً در موضعی است که نباید این کار را می‌کرده‌اما در این حد تعریفه شغل فردی که در فیلم حضور دارد وصف مجرمانه مطمئناً ندارد و نمی‌تواند موجب تعقیب کیفری شود. اما موضع‌گیری نماینده محترم قطعاً باید در کمیسیون نظارت بر رفتار بررسی شود و به‌هرحال حداقل فایده این کار آن خواهد بود که از تکرار موارد از جانب ایشان و همین‌طور از سوی افراد قلیل و اقلیتی که ممکن است در مورد میزان اولویت‌ها و مصونیت‌های نمایندگان مجلس دچار شبهه و تردید باشند، جلوگیری خواهد کرد. درعین‌حال گمان می‌کنم همه ما در زمان رای دادن به افر باید از ابعاد مختلف سعی کنیم که رفتار و حرکات و سکنات و سوابق آنان را مورد بررسی قرار دهیم و به مجموع معدل افراد برای رای دادن توجه کنیم. دراین‌صورت احتمالاً ترکیب مجلس ترکیب مطلوبی خواهد بود و درعین‌حال از بروز مواردی که به‌هیچ‌وجه در شان چنین مرجعی که همیشه گفته شده - و به حق گفته شده- که در رأس امور است، جلوگیری خواهد شد. والله اعلم.

تجربه دیگران

کابوس اقتصاد بی‌کارگر

شوروی به‌نظر برسد (هرچند حالا دیگر آدم‌های مثل بیژوس لباس‌های راحت‌تر و امروزی‌تر و خودمانی‌تری می‌پوشند) با کارگران بهتر رفتار نمی‌کنند؟ یک پاسخ صریح این است: ایده سرمایه‌داری بشردوستانه که در دوران پس از جنگ شکل گرفت... با نفس‌های آخر دولت‌های رفاه در اوایل دهه ۱۹۸۰ کمرنگ شدند... و بعد از سه دهه کارفرمایان دیگر به اساسی‌ترین استانداردها باور ندارند.

اکنون که بخش‌های تحقیق و توسعه شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا حد امکان ماشین‌آلات را جایگزین دست انسان کنند... یک ذهنیت خونسرد و بی‌عاطفه شرکتی ممکن است در نهایت به یک نتیجه‌گیری ساده برسد: چرا نگران تعدیل کارگران باشیم درحالی‌که به‌زودی به جایی خواهیم رسید که دیگر آنها مورد نیاز نخواهند بود؟ برخلاف چیزهای خوش‌بینانه‌ای که درباره اتوماسیون می‌شنویم، به نظر می‌رسد در مسیر رسیدن به نوعی اقتصاد بی‌کارگر هستیم که عده‌ای در ذهن تصویر کرده‌اند (که البته احتمالاً یک کابوس خواهد بود) و معنی‌اش این است که وضعیت اشتغال روزبه‌روز بدتر خواهد شد. این یک فرایند دو مرحله‌ای است: شما در نهایت کار خود را از دست می‌دهید و جایتان را به یک ماشین می‌دهید اما در وهله اول و در اولین مرحله، این عزت‌نفتسان است که از دست می‌دهید.

باید از فعالان شجاع اتحادیه‌ها که این شرکت‌ها را به چالش کشیده‌اند، تقدیر و تشکر کرد. به‌زودی آنها الگویی خواهند شد که در بسیاری از نقاط دیگر پی گرفته می‌شود. بقیه ما روزی متوجه خواهیم شد که در پس این همه شادی‌های کریسمس یک دنیای ویران بورژوازی نهفته است. همان‌طورکه در شعر آن آهنگ آمده است: «می‌توانید احساسش کنید؟».

اتفاق

مسلمانان در عشای ربانی



این مراسم مذهبی مسیحیت شرکت می‌کنند. یکی از مدیران گروه می‌گوید: «ما قبل از ورود آنان به کلیسا، آنها را آماده می‌کنیم؛ آماده اینکه چه چیزی در انتظارشان است و چه چیزی خواهند دید. آنها حتی می‌توانند در خواندن آواز نیز مشارکت کنند، حتی می‌توانند اگر بخواهند تقدیس شوند. آنها برخی کارها را می‌توانند انجام دهند و برخی کارها را نمی‌توانند، اما قبل از ورود به کلیسا در جریان جزئیات قرار می‌گیرند». حتی برخی از مسلمانان می‌توانند در پناهگاه‌هایی که برای بی‌خانمان‌ها غذا و لباس و لوازم خواب فراهم می‌کنند، داوطلبانه فعالیت کنند. در طول سال این همکاری ادامه دارد. در ماه رمضان، مسیحیان در افطار و مراسم‌های مذهبی شرکت می‌کنند، حتی برخی از رهبران مسیحی در مسجد سخنرانی می‌کنند. این روند نشانه خوبی از دوستی و همراهی دو مذهب و نزدیکی روح آنان است.

آنان جوان هستند. یکی از ویژگی‌هایی که سبب می‌شود مسلمانان از حضور در مراسم عشای ربانی خوشنود شوند، این حضور دسته‌جمعی و فامیلی است. مسلمانان هم به عروج مسیح اعتقاد دارند. هر سال گروهی از مسلمانان مسجد نزدیک این کلیسا، کسانی که تاکنون داخل یک کلیسا را ندیده‌اند، همراه این گروه می‌شوند و در

جان هریس، ستون‌نویس گاردین در مقاله‌ای با عنوان «حقوق کارگران» برای کارفرمایان مهم نیست: آنها به‌زودی فقط به روایت نیاز دارند» به چالش پیش‌روی کارگران و کارفرمایان به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته صنعتی پرداخته و نوشته است شرکت‌های فناوری مانند آمازون با سوده‌ای عظیم‌شان ظاهراً تهدیدی برای کارکنان خود هم شده‌اند و باید در انتظار روزهایی باشیم که دنیا به ویرانه‌های بدل شده است. بخش‌هایی از این مقاله را می‌خوانیم.

هرکسی که اینجا تلویزیون دارد، با کمپین تبلیغاتی کریسمس آمازون آشناست که بر مبنای یک فانتزی سورنال ساخته شده است. در این تبلیغ قوطی‌های پست‌شده به صدا درمی‌آیند و به گروه گری تبدیل می‌شوند، آواز سال ۱۹۸۰ گروه موسیقی خانوادگی جکسون را می‌خوانند که «می‌توانید احساسش کنید». کاملاً واضح است که چرا آمازون این آهنگ را انتخاب کرده است: موسیقی خوش‌بینانه و هیجان‌انگیز است و اشعار آن احساس خوبی برمی‌انگیزد: «اگر به اطراف نگاه کنی، همه جهان اکنون گردهم می‌آید... همه رنگ‌های جهان باید یکدیگر را از ته قلب دوست بدارند». در همان حال که شرکت جف بیژوس کارگران خود را به چون کریسمس تشویق می‌کند، برخی تلاش می‌کنند تا این وعده وحدت انسانی و امید جهانی را کمی مشخص‌تر بیان کنند. در نیویورک، کارکنان این شرکت اعلام کرده‌اند که می‌خواهند با خصومت دیرپای شرکت‌هایشان با سازمان‌های کار و به‌طورکلی اتحادیه‌ها مبارزه کنند. روز جمعه، اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگران آمازون در اسپانیا، آلمان، فرانسه، ایتالیا و انگلیس علیه دستمزد کم و «شرایط غیرانسانی» در خبرها منعکس

آموزش‌وپورشش که از پربازده‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای یک کشور است، به‌خصوص در مناطق محروم و مناطق مرزی می‌تواند ضامن بالاترین امنیت کشور باشد. به یقین اگر تلاش مشترک ملی صورت گیرد، ادامه فعالیت‌ها و همت مردمی در تجهیز و بازسازی مدارس به نتیجه مؤثرتری می‌رسد.

گاردین: به سنت هرساله کلیسایی در لندن، آنان در آستانه کریسمس به مسلمانان خوشامد می‌گویند. کلیساها در آستانه کریسمس تا نیمه‌شب به ارائه خدمات و برگزاری مراسم‌های مذهبی مشغول هستند. کلیسای سنت آلانی این‌بار نیز مانند ۱۰ سال گذشته میزبان جمعی از مسلمانان همسایه این کلیسا شد؛ مسلمانانی که شریک جشن‌های کریسمس شدند. مقداد ویس، یکی از مسلمانان حاضر در این مراسم می‌گوید: «برای ما، حضور در عشای ربانی رخداد بزرگی است که با همسایگان خود دیدار کنیم؛ به کسانی که می‌خواهند دوست ما شوند، او ادامه می‌دهد: «۱۰ سال پیش برای اولین‌بار بود که با هم دیدار کردیم و حالا با هم کارهای بزرگ‌تری انجام می‌دهیم، درتمان با یکدیگر بیشتر شده است و به‌طور منظم برنامه‌هایی را انجام می‌دهیم». حداقل ۵۰ نفر از مسلمانان در این برنامه حضور دارند که تعدادی از



بهمن کشاورز

هنر سیاه سفید: هفتمین شماره «هنر سیاه سفید» منتشر شد. در شماره دی این ماه‌نامه میزگردی درباره علل حاکمیت فیلمفارسی در سینمای ایران با حضور مهرداد جحتی، کامیوزیا پرتوی و مجید بزرگ منتشر شده است که طبق این تحلیل این‌روزها فرش قرمز برای بازگشت تأمل‌برانگیز فیلمفارسی پهن شده است. از نظر

حاضران در این نشست، این وضعیت حکمرانی فیلم‌های مبتذل به نفع شرایط موجود است و سینما چ‌ون می‌تواند به هژمونی قدرت کمک کند، تأثیر بسزایی در برخی مسائل فرهنگی دارد.

گفت‌وگویی با محمدرضا عالی‌پیام درباره توقیف ۱۶ساله فیلمش و گفت‌وگویی با سعید مطلبی درباره ۶۰ سال فعالیت سینمایی با عنوان «من تنها نویسنده کتاب ممنوع‌الکار ایرانم» از جمله مطالب این شماره است. نوشته‌هایی از کیانوش عیاری، محسن امیریوسفی، محمدحسین آسایش، حامد مصطفوی و عزیزالله حاجی مشهدی نیز در این ماه‌نامه که مدیرمسئول و سردبیر آن امیر فرض‌الهی است، دیده می‌شود. این ماه‌نامه در ۳۰ صفحه با قیمت ۱۵ هزار تومان منتشر شده است.